

تحفه های بکر یزدان

شناسنامه کتاب

نام کتاب:

نویسندگان:

صفحه آرایه:

تیراژ:

نوبت چاپ:

تحفه های بکر یزدان

حسیبا پاینده و ثنا صافی زاده

داکتر محمد شریف پاینده

۳۰۰ جلد

اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۵ مقدمه
۷ چند حدیث مبارک در باره کودک
۹ ضرورت پرورش اخلاقی کودکان از دیدگاه اسلام
۱۰ صدای کودکان مسلمان
۱۱ حقوق اطفال
۱۲ کودکان در افغانستان
۱۳ سخن مادر برای کودک
۱۴ تربیت اولاد
۱۴ مادران بنیانگذاران تربیه سالم
۱۵ آه کودک
۱۷ تجسس برای آینده درخشان
۱۸ سیمای معصوم کودک
۱۹ بازی کودک
۲۰ یکی بود یکی نبود "قطره"
۲۲ خلاقیت در کودکان
۲۴ کودکان در دیدگاه های بزرگان
۲۵ فریاد کودک
۲۶ انیس کودک
۲۷ بنفشه و شاپرک
۲۹ لبخند کودک

- ۲۹..... کودکان آینده سازان کشور.....
- ۳۰..... عشق را به کودکان تان بیاموزانید.....
- ۳۱..... اراده.....
- ۳۱..... صداقت را به کودکان تان بیاموزانید.....
- ۳۲..... نکاتی در مورد تشویق کودکان.....
- ۳۳..... ۵ جمله مفید برای کودکان از نظر روانشناسان.....
- ۳۵..... اشک دانه دانه.....
- ۳۶..... اندوه دل کودک.....
- ۳۷..... اهمیت تربیت اخلاقی کودکان.....
- ۳۸..... بهترین شخصیت ها در کودکان امروز نهفته است.....
- ۳۹..... کودکان وطن.....
- ۳۹..... کودکان به اساس آمار در جهان.....
- ۴۰..... پیامک.....
- ۴۰..... من از بیگانگان گله ندارم.....
- ۴۱..... در انتظار مادر.....
- ۴۳..... تحفه مادر.....
- ۴۴..... در شبهای سرد.....
- ۴۵..... فرگرد آرزو.....
- ۴۵..... تفاوت های کودکان افغانستان با کودکان سایر ممالک.....
- ۴۷..... اطفال چرا دست به مواد مخدر میزنند.....
- ۴۸..... دخترها هم حق دارند مانند پسرها تحصیل کنند.....

مقدمه

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم و علی آله و اصحابه اجمعین و اما بعد:

با درک مشکلات کودکان افغانستان عزیز، یکی از آرزوهای همیشگی ما بود تا درین باره کتابی را تألیف کنیم.

خداوند متعال را نهایت سپاسگذاریم که این توفیق و فرصت را به ما اعطا فرمود تا بتوانیم با مطالبی که درین کتاب گنجانیده ایم توانسته باشیم قسمتی از زنده گی و مشکلات کودکان افغانستان را به تصویر بکشیم.

اینک به یاری و استعانت خداوند قادر و توانا فعلاً کتاب "تحفه های بکر یزدان" تکمیل گردید. درین کتاب به یک نکته توجه خاص مبذول شده و آن ملاحظه اوضاع آینده سازان کشور میباشد. امیدواریم این اثر، یک اثر مفید برای خواننده گان عزیز باشد. البته این کتاب عاری از هر نوع عیب و نقیصه نخواهد بود، ازینرو محترمانه و صمیمانه از خواننده گان عزیز تقاضا میشود تا هرگاه نواقص، کمبودی ها و اشتباهات را درین اثر مشاهده نمایند با لطف و بزرگواری شان ما را مطلع ساخته تا در اصلاح و بهترسازی این اثر در آینده در نظر گرفته شوند.

در اخیر وظیفه اخلاقی خود میدانیم تا از تمام اندرکاران ترتیب این اثر که به نحوی از انحاء با ما همکاری نموده اند، از صمیم قلب اظهار امتنان نماییم. از خداوند متعال سعادت دارین را برای شان خواهانیم.

حسیبا "پاینده" و ثنا "صافی زاده"

چند حدیث مبارک درباره کودک



رسول اکرم (ص) می فرماید: من اطفال را به دلیل پنج صفت دوست دارم.

اول: اینکه بسیار گریه می کنند و دیده گریان کلید بهشت است (یعنی گریه از خوف خدا در زنده گی زیاد کنی)

دوم: آنکه با خاک بازی می کند (یعنی تکبر و نخوت و خود پسندی در آنها نیست)

سوم: آنکه با یکدیگر دعوا می کنند ولی زود آشتی کرده و کینه به دل نمی گیرند.

چهارم: چیزی برای فردا ذخیره نمی کنند (چون آرزوی دم و دراز و طمع طولانی ندارند)

پنجم: خانه می سازند و سپس خراب می کنند (دلبسته و وابسته به امور دنیوی نیستند).

و در مورد دختران می فرمودند: باید اطفال دختر را بیشتر از پسر مورد توجه قرار دهید. و زمانی که هدیه برای فرزندان خود تهیه می کنید، سهم دختر را قبل از پسر بد دهید.

رسول خدا (ص) می فرماید:

میان فرزندان عدالت ورزید: همان گونه که شما نیز دوست می دارید، در نیکی کردن و مهر ورزیدن میان خودتان عدالت ورزید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: دختران نیکی های هستند که در برابر آن پاداش داده میشود و پسران همچون نعمتی هستند که از آن باز خواست می شود.

امام امیر مؤمنان علیه السلام: فرزندان خویش را، پیش از آنکه متولد شوند، نامگذاری کنید .

امام کاظم (ع): وقتیکه دختر یا پسر شش ساله شد فرد نامحرم حق ندارد او را ببوسد و هم چنین نمی تواند او را در آغوش بگیرد.

رسول اکرم (ص): هر کس سه پسر برای او متولد شود و نام یکی را محمد بگذارد به من جفا کرده است.

رسول اکرم (ص): بازی گوشی کودک در خردسالی اش مایه فزونی عقل در بزرگسالی اوست.

امام علی (رض): آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند.

رسول خدا (ص): هر کس کودک گریان خود را راضی کند تا آرام شود، خداوند از بهشت آن قدر به او میدهد تا راضی شود.

رسول اکرم (ص): کودکان را دوست بدارید و به آنان مهربانی کنید و هرگاه به آن ها وعده دادید وفا کنید!

رسول خدا (ص): کسی فرزند خود را ببوسد خداوند ثواب برای او می نویسد، هر کس او خوش نگاه نکند خداوند او را در روز قیامت خوش نگاه می دارد.

ضرورت پرورش اخلاقی کودکان از دیدگاه اسلام



حدیث شریف: پدران و مادرانی که در اثر سهل انگاری و یا سایر عوامل از تربیت اولاد خود سرباز می زنند، از نظر دین و اجتماع خطا کار اند. این گونه فرزندان هم برای خانواده و هم برای اجتماع افراد مزاحم خواهند بود.

انسان بر اساس فطرت از آغاز تولد، برای تربیت پذیری آمادگی دارد. بدیهی است هرچه این امر در سنین پایینتر انجام گیرد، نتایج آن درخشانتر خواهند بود. پرورش اخلاقی کودکان در اثر تقلید و پیروی از رفتار دیگران تدریجاً و به طور نامحسوس تکمیل میشود. دین مقدس اسلام پدران و مادران را در امر پرورش اخلاقی فرزندان خویش مسوول میداند و یکی از وظایف اساسی و حساس آنها را تربیت فرزندان دانسته است.

رسول اکرم (ص) در باره تربیت اخلاقی کودکان فرموده اند: "فرزندان خود را تربیت نمایید که در برابر آنها مسوولیت بس بزرگی دارید."

دین اسلام در تمام عرصه های فردی، اجتماعی، حقوقی و قضایی زندگی، خصوصیات اخلاقی را محترم شمرده و بدان توصیه نموده است.

رسول اکرم (ص) فرموده اند: "من برای اصول اخلاقی و فضیلت برانگیخته شده ام." بنابراین آیین مقدس اسلام بر تحکیم زیربنای اخلاقی مسلمانان، کاخ سعادت و برتری

آنان را در دنیا و آخرت اساس میگذارد. دین مقدس اسلام در رابطه به کودکان تأکید زیادی نموده است.

صدای کودکان مسلمان

ما مسلمانیم

پیرو قرآنیم

مانند گلیم

در این گلستان

پنج تا پرنده

در این باغ داریم

بیا آنها را

باهم بشماریم

این پرنده ها

اصول دببند

همه خوش آواز

همه رنگببند

بک پرنده است

به نام توحبب

می شود آنرا

در همه جا دید

دومی عدل است

سوم نبوت

اما چهارم

باشد امامت

پنجم معاد است

روز خوب ما

روز امتحان

در پیش خدا

حقوق اطفال

اطفال عنچه های گل و نهال های فردای کشور هستند: پدر و مادر باید که در تعلیم و تربیه آن ها توجه نمایند.

برای والدین لازم است که در کارهای خانه با اطفال مشوره کنند، و نظر آنها را بگیرند و به آنها موقع سوال کردن، دادن نظر، همکاری و کمک بدهند. سوال ها و گفته های کودک باید به دقت شنیده شود و هر سوال آنها به مهربانی پاسخ داده شود، تلاش ها و پیشرفت های شان به مهربانی تقدیر شود و همیشه با آنها به نرمی و محبت صحبت گردد.

پدر و مادر تکیه گاه اطفال خویش اند و همیشه وقت فخر می کنند بالای اطفال خود.

ما باید همیشه وقت به اطفال خود احترام قایل شویم و به آنها شفقت داشته باشیم و هیچ گاه حقوق که آنها دارند پایمال نکنیم و همیشه به اطفال خود محبت بدهیم تا که محبت پدر و مادر را فراموش نکند. پس اگر می خواهید که اطفال خوب و صالح را تقدیم جامعه نمایید، اطفال خود را به مکتب روان کنید تا که در مکتب تربیه و تعلیم را بیاموزد و اطفال ضرورت به دوستی و شفقت دارند پدر و مادر بنیاد گذار تربیه سالم طفل خود اند.

به نظریات و افکار آنها احترام قایل شوید و گفتنی های آن ها را بشنویند، به خواسته های اطفال توجه کنید. اطفال حق دارند بازی کنند، گپ بزنند، هر موجودی در این دنیا حق و حقوقی دارند به همین ترتیب اطفال نیز حق و حقوقی دارند.

”خوشبختی، موفقیت و سلامتی حق شماسست و رمز آن درون شماسست تنها کافی است

که بخواهید و باور کنید. غنا و ثروت واقعی در روح هر شخص نهفته است، ممکن است صاحب افکاری باشید که میلیون ها دالر ارزش داشته باشد.“

کودکان در افغانستان

اگر اوضاع کودکان در افغانستان را ملاحظه کنیم چنین خواهیم گفت: اطفال در افغانستان با مشکلاتی زیادی مواجه می باشد و کمبودی های زیادی را از لحاظ تربیتی، آموزشی، تدریسی و تفریحی دارند، که داشتن این چنین امکانات برای آینده سازان کشور یک امر ضروری می باشد که باید آنها به بهترین شکل درس بخوانند و پیشرفت های زیادی را در عرصه تحصیل داشته باشند، با تأسف در افغانستان بعضی از اطفال به علم و تعلیم دسترسی ندارند؛ مثلاً یکی از مشکلات از طبقه اناث ازدواج در خرد سالی دختران است که آنها تا هنوز معنی درست زنده گی کردن را نمی فهمند، چگونه یک زنده گی را بسازند و بعضی از آنها دست به خودکشی، سوختاندن و می زنند که این عمل همه از نظر دین و هم از نظر جامعه یک امر غیرانسانی است. آیا دختران حق ندارد که در کنار فامیل خود زنده گی کند و تحصیل و درس بخواند. بعضی از کودکان از درس محروم می مانند، بعضی از

دختران که در سنین ۱۳، ۱۴، ۱۵ قرار بگیرند دیگر از طرف فامیل اجازه رفتن به مکتب را ندارند. خلاصه اطفال در افغانستان به هر گونه تحقیر و حقیر می شوند و این عمل ها باعث می شود تا اطفال به هر نوع کار دست بزنند که حتی اینها دزدی هم می کند و این کار را به حیث پیشه خود قرار داده آینده خود را به تاریکی و جهالت فرا می خواند. همه اطفال ضرورت به محبت دارند و باید باران محبت و نوازش بر سر آنها بیارد و همه پدران و مادران و افراد جامعه باید در تربیه درست و سالم کودکانشان کوشا باشند و یک فرد عالی را تقدیم جامعه کنند.

”اگر خود را تغییر ندهید شما توانایی تغییر هیچ چیز دیگری را نخواهید داشت. به خاطر داشته باشید رمز موفقیت شما سازگار بودن شما با یگدیگر است. این آخرین فرصت ما برای تغییر است. تنها دو گروه نمیتوانند افکار خود را تغییر دهند، دیوانگان بیمارستان و مردگان گورستان.“

سخن مادر برای کودک (پسر)



مادری میداد پسرش را شیر
گفت ای دلبنده به هوایت اسیر

می دهمت شیر که مردی شوی
بهر این وطن صاحب دردی شوی

گر کنی از جهل و بال ای پسر
شیر منت نیست حلال ای پسر

تربیت اولاد

از حکیمی پرسیدند وظیفه والدین در مقابل اولاد چیست؟

حکیم گفت: قبل از همه تعلیم قرآن و تفهیم معنای آن و تأکید اساسات اسلام و عبادات، اهمیت اخلاق نیکو و تشویق کسب علم و هنر از وظایف اولی والدین است که از آغاز طفولیت به دختران و پسران خود تلقین نمایند.

”انسان از بدو تولد دارای باورهای طلایی است، ولی با گذشت زمان و درگیری فکر و ذهن به مادیات و فاصله گرفتن از فطرت و جنبه معنوی وجود انسان، باعث آلودگی و غبار گرفتن آئینه باورهایش شده است. هر چند وقت یک بار لازم آلودگی هایی که از درخشش نور جلوگیری میکنند پاک نماییم.“

مادران بنیانگذار تربیه سالم



مادران پرورش دهنده نسل آینده و حال اند و آنها رئیس جمهوران، وکیلان، داکتران، مهندسان، معلمان آینده کشور را در آغوش خود می پرورند و یک نقش بسیار بزرگی را ایفا می کنند.

اگر آنها از تهداب و از اساس اطفال وطن را درست و صحیح پرورش ندهند پس چه طور افراد آینده کشور مهر جوینده به بار آیند. یعنی همیشه در طلب محبت و مهربانی و درستی باشند محبت مادر یکی از بی پایان ترین و مخلصانه ترین محبت

جهان است و همه محبت های جهان فانی و زود گذر اند، اما محبت مادر همیشه پاینده است. اطفال به مادران سخت ضرورت دارند، مادر می تواند که یک طفل را بدون پدر بزرگ کند اما هیچ وقت یک پدر نمی تواند در نبود مادر یک طفل را بزرگ کند. پس در این صورت بنیان گذار تربیه سالم را مادر تشکیل میدهد. مادران همیشه مشتاقانه در تربیه و تعلیم کودکان خویش می کوشند و هر نوع مشکلات را بر ضمه می گیرند. مادران اند که اطفال خود را (دختر و پسر) تکیه گاه شده و مانند سپهر در کنار آنها قرار داشته و آنها را بر فراز بسیار بلندی می رسانند و همیشه دعا گویی آنها نزد ایزد متعال هستند.

مادر پایین ترین موجود جهان است و مادر و پدر میوه کم یافت است.

اسلام دین عاطفه و محبت است، برای حفظ این معنوی در خانواده تدابیری سنجیده است، تا با رعایت آن ها کانون خانواده ها گرم و مستحکم بماند، به هر اندازه که بنیاد خانواده استوار باشد به همان میزان افراد جامعه سالم باقی می ماند؛ چرا که سلامت خانواده ضامن سلامت جامعه است محور سلامت خانواده حق شناسی و احترام به پدر و مادر و بزرگان اند. مسلمان در احادیث نبوی گفته شده است، مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبان او در امان باشد.

آه کودک



آه بر تو ای کودک که دستانت پر از آبله و پاهانت از سردی ساکن مانده ای. کودکی که از قلب معصوم و پاکت و از چشمانی که یک کتاب برای خواندن و یک دنیا

برای دیدن دارد می توان تمام سخن های دلت را خواند می توان آن صدای پر از ترانه های رنگین و سرود های کودکانه ات را شنید. ای کودک افغان؟ نهال امروز و امید فردای این گلستان تو هستی تو باید نجات دهنده این کشور و آورنده ای روشنی ها باشی، امید این وطن به سوی من و توست نگاه همه به سوی من وتست، میدانم و میدانید که این ملت باید قهرمانانی داشته باشد تا به سوی پیروزی نایل گردد باید به این کودکان راه درست یعنی راه اسلام شجاعت صلح، آرامش و آزادی نشان داده شود. باید در این مسیر کودکان پرورش یابند تا افغانستان را بسازند تا به روشنفکران جامعه و سرزمین ما افزود شود تا بدرخشن و از درخشش خود به تمام ملت و مردم خود هدیه کنند، آنها باید گنج های پنهان این سرزمین را بقایند و نگذارند که دیگران از این سرزمین استفاده کنند، این سرزمین، سرزمین ماست و نگهداری از آن فرض ما است و محافظین این سرزمین مردم جوانان، نوجوانان و کودکان این کشور هستند، پس بیائید این سرزمین را از هرگونه ظلم، ستم، تجاوز و تعدی در امان نگهداریم.

”روزی تو به خدمت دیگران مشغول خواهی شد، نه برای رسیدن به نوعی سود یا منفعت شخصی و یا حتی برای خاموش ساختن احساس گناهت و یا آگاهی اجتماعی ات، بلکه برای اینکه دیگر میل نداری دست به هیچ کار دیگری بزنی و این تنها کاری خواهد بود که علاقه خواهی داشت با جان و دل انجام دهی. خوابیدم و در رؤیا دیدم که زندگی سراپا شادی است، بیدار شدم و دیدم که زندگی هیچ چیز مگر خدمت نیست، کمر به خدمت بستم و دریافتم که خدمت همانا شادی است.“

تجسس برای آینده درخشان



مهیا ساختن بهترین امکانات برای کودکان در حقیقت تجسس برای کودکان است و چه بهترین است که امکانات را برای کودکان مهیا سازیم تا اینها بتوانند مستفید شوند. مثلاً: باید برای آنها امکانات: تدریسی، تفریحی، آموزشی، تربیتی مهیا شوند.

کودکان ضروریاتی زیادی دارند خصوصاً به مجلاتی که دارای رسامی های برجسته و رنگین باشد و تفسیر این رسامی ها برای آنها خیلی خوش آیند است، طفلان بسیار داستانهای کوتاه و قصه های جالب را خوش دارند. مانند: قصه های سفید برفی، سندریلا و دیپانزل

در مقابل اطفال باید مهربانی صورت گیرد و به مهربانی با آنها حرف زده شود تا آنها هم به مهربانی بزرگ شوند و مهربانی را پیشه کنند، اگر با اطفال رویه درست صورت نگیرد بالای روحیه آنها خیلی تأثیر منفی دارد. اگر پدر و مادر در مقابل اطفال حرف های زشت بزنند اطفال نیز حرف های پدر و مادر خود را یاد می گیرد. بناءً باید کوشا باشیم که در مقابل اطفال با حرف های شیرین صحبت کنیم.

”انسان آن چیزی میشود که می بیند. فقط به زیبایی های گذشته نگاه کنیم، برای کسب موفقیت های بیشتر باید از تاریخچه گذشته به منزله پایه و اساس برای تصمیم گیری استفاده کنیم، گذشته را نفی نکنیم اما در گذشته زندگی نکنیم.“

سیمای معصوم کودک



در یک روز آفتابی که داشت آفتاب می نشست و نزدیک غروب بود، طفلی نشسته بود و با نگاه به آن غروب می گریست. نزدیک او رفتم و نشسته و برایش گفتم و پرسیدم؟ ای پاکترین موجود دنیا ای زیباترین گل چرا می گریی؟ در جواب به من گفتم: من خود ندانم بهر چیست؟

خود ندانم کجا آمدم، خودم را کاملاً گم کرده ام، نمی دانم حق من چیست، کسی را نمی یابم که با او گپ بزنم، نمی فهمم وظیفه من چیست، من فقط غلام تقدیرم، هر چه که مردم بالای من تحمیل می کند من همان را می کنم. زبان ندارم گپ بزنم. اگر چیزی بگوئیم دهنم را می بندد، چیزی خواسته نمی توانم، همیشه چشمانم پر از اشک است، همیشه دستانم سیاه است، نمی توانم خودم را با اطفال دیگر مقایسه کنم. نمی توانم لباس های کهنه ام را با لباس های قیمتی دیگران مقایسه کنم. نمی توانم کفش های کهنه ام را که پاهایم نصفش به زمین است با دیگران مقایسه کنم، خانه ما کوچک و کهنه است، دستانم هیچ به یک کودک نمی ماند، کاملاً درشت هستند و پاهایم ترکیده اند. در وقت کار دستانم می لرزند و دلم تنگ می شود، خسته میشوم. در تابستان از گرمی و در زمستان از سردی زیاد می میرم، از نسیم صبح خوشم می آید ولی آن هم زود گذر است. نمی توانم مانند سایر اطفال ناز و شکوه کنم، نمی توانم دستان پدر و مادرم را بگیرم و بروم.

صبح که از خواب بر می خیزم باز هم همان روز آفتاب از شرق طلوع می کند و تا غروب همان آفتاب من در کارم.

نگاهی سردی برایش کردم و گفتم هر طلوع غروب و هر غروب طلوعی دارد. بعد از هر تاریکی روشنی وجود دارد و بعد از هر آسمان تاریک باران یی وجود دارد پس باید امید وار بود.

بازی کودک



کودکان می خواهند به حقیقت اشیا پی ببرند. از این سبب به هر چه دست می زنند و در باره هر چیز سوال می کنند. پس لازم است که بزرگان به دقت زیاد به پرسش های آنان جواب دهند، یکی از وسیله های ساعت تیری و یادگیری این بازی های مختلف هستند. این ها نه تنها از بازی ها لذت می برند بلکه این بازی ها یکی از ضروریات آنها نیز به شمار میرود. خواسته های آنها از طریق بازی های شان معلوم میشود.

در حقیقت اطفال در بازی استعداد های خود و مهارت های زیادی را یاد می گیرند و این کار تأثیر می گذارد به آینده کودکان بازی های جسمی می کنند و اگر به شکل

گروهی انجام شود لذت اش از بازی انفرادی زیاد تر است و اطفال در میدان بازی تجربه های زیادی را هم یاد میگیرن به خصوص در آن بازی که احساس کودک هم مطرح باشد.

خوب این است که اطفال بازی های زیادی را انجام دهند تا که بتوانند از زمان طفولیت یک شخص اجتماعی و انتقاد پذیر باشند، در ضمن بازی های که اطفال انجام می دهند در جرأت و استعداد آنها نیز تأثیر گذار است و اطفال بیشتر از همه چیز بازی را دوست دارند، به خصوص بازیچه. اگر پسر باشد بیشتر دوست دارد توسط موترک و اگر دختر باشد بازی با گودی های مقبول را دوست دارد.

بزرگسالان باید کوشش نمایند تا در بازی های کودکان دخالت نکنند چون دخالت های پیش از حد بزرگسالان در جزء زنده گی و رفتار کودکان قابلیت یادگیری مبتکرانه آنها را تضعیف می کند.

یکی بود یکی نبود

“قطره”

6000 قطره تازه متولد شده چشمانش را باز کرد، خودش را دید و دیگر ” هیچ با خود اندیشید“ چه موجودی بی ارزشی؟

من چگونه می توانم با این جثه ناتوانم زنده بمانم؟ (آخر قطره خیلی کوچک بود) قطره بی تاب است، اما نمی داند چرا.

در اندرون من خسته دل ندانم که کیست

که من خموشم و او در فغان و در غوغا است

زمزمه ای می شنود "دریا، دریا، تو از دریایی" اما او نمی داند " دریا چیست ... خوب حالا زندگیش کمی معنا پیدا کرده. حد اقل می داند گم شده ای دارد و به دنبال اوست، قطره کمی بزرگتر شده، البته جثه اش هنوز همان اندازه است اما در فکرش،

رشته کرده، حالا می تواند ببیند که قطره های بسیار زیادی همانند او وجود دارند.

اما او هنوز بی تاب است. او هنوز به دنبال دریاست، می خواهد دریا را ببیند اما به هر کجا که می رود فقط قطره ها را می بیند. هیچ کدام دریا را نمی شناسند در یک ظهر گرم تابستان به آسمان می نگرند و با خود فکر می کنند "شاید دریا آنجا در آن بالا باشد" سپس با همه وجود، خود را به اشعه گرم و سوزان آفتاب می سپارد و به آسمان می رود....

با ابرها یکی می شود، احساس سبکی همه وجودش را پر می کند. نگاهی به پایین می اندازد و بیکرانگی قطره های جمع شده در کنار هم، دریا را به او نشان می دهد. او نمی دانسته دریایی که همیشه به دنبالش بوده از مجموع همه قطره هایی مانند خود او بوده است.

..... حالا دیگر قطره خیلی بزرگ می شود، حتی به خودش اجازه می دهد، عاشق شود عاشق دریا، اما نه ... او همیشه عاشق بوده و بی خبر از این عشق آسمانی به سر بوده، دیگر سر از پا نمی شناسد " فکر کن یک قطره کوچک عاشق دریایی بیکران باشد، حالا دریا را با همه عظمتش دیده و بی قرار وصل او شده، دیگر بدون او توان حتی " یک لحظه بودن" را ندارد.

بی تاب، بی تاب است.

خودش را می بیند که جزی از دریاست، اما غافل از او بوده، حالا که او را دیده و شناخته، دیگر توان دوری اش را ندارد.

قطره آنقدر در فراق محبوبش ناله و زاری می کند که دل آسمان هم می ترکد و اشکش سرازیر میشود. قطره با زالای اشک آسمان، آفرین زنگارهای باقی مانده وجودش را هم می شوید و به دریا متصل میشود.

"خدایا جام دلم را لبریز از شراب عشق جاویدانیت کن"

در این مطلب دیدیم که همه چیز از صفر شروع شده و بعد بزرگ میشود قسمیکه

یک قطره با همه دیگر قطره ها یک دریای بزرگ و وسیع را می سازد و همین گونه کودکان امروز که ما در باره آنها خیلی کوچک می اندیشیم، اندیشمندان فردا هستند.

خلاقیت در کودکان



- ◆ در هنگام ایجاد سوال تازه در ذهن کودکان تان آنها را رهنمایی کنید. آموزش کودک باید طوری باشد که او را بسوی سوالات تازه یی هدایت کند و کسی که به او جواب می دهد باید او را به سوی مهارت های جدید سوق دهد و از به کار بردن کلماتی از قبیل: بلی خیر! هرگز و امثال آن دوری کند و چون این .. سوالات نمی تواند ارتباط کاملی بین سوالات و معلومات قبلی او برقرار کند.
- ◆ حس کنجکاوی را در کودک تان پرورش دهید: زمانی که به یکی از پاسخ های کودکان می پردازید کوشش کنید در حین پاسخ دادن کنجکاو باشید چون کودک زمانی که می خواهد پاسخش را بگیرد تمام حس و حواسش به طرف شما می باشد و این عمل شما باعث می شود تا او هم کنجکاو به بار آید.

- ◆ با او مباحثه کنید: والدین و مربیان باید در باره امور و وسایلی که مربوط به آنها میشود با او مباحثه کنند و از او نظر بخواهند و عقاید او را مانند عقاید بزرگسالان به بحث و گفتگو بگذارند.
- ◆ به عقاید جدید کودکان احترام بگذارید: کودکان گاهی مفاهیمی تازه پی می بیند و درک می کنند که ممکن است هر بیان به آنها توجه نداشته باشد، تشویق کودکان به ابراز عقاید نو و جدید اصولی است که در رشد و توسعه خلاقیت همیشه باید مورد توجه باشد.
- ◆ از کودک تان بخواهید که اشیاء و امور نیمه تمام را تمام کنند: از کودکان تقاضا کنید تا جملات ناتمام، داستان های ناکامل، تصاویر، نقاشی های نیمه تمام و حتی اشیای ناقص را کامل کنند. اسباب بازی را برایشان خریداری کنید که با هم مشغول شوند.
- ◆ کودکان باید اشیاء را از نزدیک ببینند و لمس کنند: علاوه بر مشاهده اشیاء، کودکان باید آنها را لمس کنند زیرا تنها مشاهده کنجکاوی کودک را ارضا نمی کند. کودکانی که از لمس کردن اشیاء محروم می شوند توانایی لازم جهت کشف و اختراعات را از دست می دهند.
- ◆ برای کودک تان همیشه یک چیز مورد علاقه اش را خرید: کودکان را تشویق کنید که در خرید خوراک و پوشاک انواع مختلف را انتخاب کنند و از خریداری تکراری اجتناب کنید.
- ◆ کودکان را همیشه از یک مسیر به خانه نبرید: زمانی که با او از خانه بیرون می آید، هنگام برگشت به خانه به او توضیح دهید که ما می خواهیم از یک راه جدید به خانه برویم او از این در می یابد که برای رسیدن به هدف یک راه وجود ندارد بلکه چندین راه وجود دارد.

♦ از جاهای جدید دیدن کنید: همراه اطفالتان از طبیعت زیبا، جاهای دیدنی و تفریح گاه ها دیدن کنید تا آنها از نزدیک مکان های گوناگون را شناسایی کنند.

به واسطه خلاقیت، شخص می تواند به پیشرفت های انسانی خود بیفزاید و هم چنین افرادی که دارای قوه خلاقیت هستند نسبت به کسانی که فاقد خلاقیت هستند معمولاً به پیشرفت های بیشتری در زنده گی نایل میشوند.

کودکان در دیدگاه های بزرگان

✓ کودکان خبره های راستین اند، آنچه برای آنها گرانبهاست بهایی ندارند، تنها ارزش دارند.

✓ کودکان باارزشمندترین سر چشمه ها بهترین امید برای آینده اند.

✓ نگذارید کودکان گریه کنند زیرا باران، همه غنچه ها را تباه می کند.

✓ کودکان بیش از انتقاد به الگو و سرمشق نیازمندند.

✓ بی پناهی و سرگردانی کودک امروز بیش از هر زمان دیگری است.

✓ اولین روشی که والدین باید به فرزندان خود بیاموزند صداقت است.

✓ مردم موفق امروز کودکان جسور دیروز بوده اند.

✓ کودکی که گناه خود را به گردن می گیرد در حقیقت نخستین گام های قهرمانی او است.

- ✓ نقاشی های کودکان در زمره ای کارهای استادان قرار دارد.
- ✓ نمی توانید به کودکی بیاموزید که از خود مواظبت کند مگر آنکه او را آزاد بگذارید تا برای مواظبت از خود بکوشد ممکن است اشتباه کند ولی دانایی او از میان اشتباهات سرچشمه می گیرد.

فریاد کودک

من طفلک معصوم گناه ندارم، حق دارم در آغوش وطن خود باشم حق دارم درس بخوانم تحصیل کنم حق دارم دروازه های مکتب به روی من باز باشد حق دارم استعداد خود را شکوفا سازم و حق دارم به اساس لیاقت خود پیش بروم حق دارم چه دخترم چه بچه از حقوق خود بهره ببرم و فرض علم را ادا کنم.

ای ملت! دروازه های مکتب را به روی ما بگشائید و امکانات فراگیری علم و دانش را برای ما میسر سازید زیرا ما نسل آینده کشوریم که سرنوشت این ملت به دست ما خواهد قرار گرفت شاید ما باشیم تا بتوانیم این سرزمین را بسازیم پس چرا این همه در حق ما آیا ما حق نداریم که درس بخوانیم و تحصیل کنیم ما طفلان از کار کردن خسته شدیم و می خواهیم مانند طفلان دیگر درس بخوانیم و تحصیل کنیم می خواهیم در صلح زیست کنیم در آرامی بزرگ شویم دست نوازش بر سرما باشد اما این آرزو های چه وقت برآورده خواهد شد.

”انسان مولود شرایط نیست، شرایط مخلوق انسان است. پیوسته به خود یادآوری کنیم که خیلی بزرگتر از آنچه میبنداریم هستیم، اگر کس دیگری میتواند پس من هم میتوانم.“

انیس کودک

همه کودکان ضرورت به یک انیس دارند. کودکان بعضی اوقات اشتباه می کند اما آنها را نباید تحقیر کرد چون آنها راه درست و را نادرست را نمی دانند و شخصی باید وجود داشته باشد تا برای او بیاموزد او را یاد بدهد شخصی که او را یاری کند، او را از دستش بگیرد و به کوه های بلند ببرد، شخصی که به او یک شخصیت جدید بدهد. به نظر شما این اشخاص کی ها خواهند شد؟

بدون شک این اشخاص اعضای فامیل هستند به خصوص والدین که اولین اشخاص هستند، زمانیکه کودک نو تولد می شود و چشمانش را باز می کند این دو را می بیند اگر والدین همه وظایفی را که باید انجام دهد آنها را انجام دهند در این صورت فرد مؤثری به جامعه و ملت تقدیم خواهند نمود. اما بر عکس اگر والدین تمام وظایف خود را انجام ندهد و سهل انگاری کند در تربیه سالم طفل خود، در این صورت یک فردی را به جامعه تقدیم خواهند کرد که کاملاً باردوش جامعه خواهد بود. بعد از اعضای فامیل شخصی دومی که رفتار و کردار آن بالای کودک تأثیر خواهد داشت معلم است که برای او علم می آموزاند و اگر آن یک معلم مهربان و پرفهم باشد. در این صورت شاگردان خوبی را آموزش ده خواهد بود و اگر برعکس رفتار کند پس شاگردش مانند خودش خواهد آمد.

”به خودتان عشق بورزید، از خود بخوبی یاد کنید، خود را تشویق کنید، با جسم خود خوب رفتار کنید، احساس شایستگی کنید، آنچه دارید یادآوری کنید، برای خود ارزش و احترام قایل شوید.“

بنفشه و شاپرک

بنفشه ای دیدم
که در صحرا بود
چه خوب می خندید
چقدر زیبا بود!

به سوی او رفتم
بنفشه را چیدم
بنفشه غمگین شد
و من نفهمیدم

به او چنین گفتم
بنفشه زیبا!
بخند، چون دیگر
تو نیستی تنها

بنفشی خوبم
 به من نگاهی کرد
 غم دلش را او
 به روی لب، آورد!

چرا جدا کردی
 زخانه من را؟
 دوباره برگردان
 مرا به آن صحرا

مگر نمی دانی
 که شاپرک آنجاست
 بدون من حالا
 چقدر او تنهاست!

ز حال او من را
 تو باخبر گردان
 تو باخبر گردان
 تو باخبر گردان

لبخند کودک



کودک وقتی می خندد که ما به آنها به محبت رفتار کنیم و آنها را نوازش بدهیم. وقتیکه کودک از ما چیزی را طلب کرد ما باید با آنها به خشم رفتار نکنیم چون آنها قهر می شوند و روحیه خود را از دست می دهند ، وقتیکه ما به آنها تحفه می دهیم مثل بازیچه های مقبول و مثل ازین چیز های دیگری لبخند در لبان آنها وانمود میشود و هر گاه مادر و پدر خود را می ببند که بایکدیگر می خندند کودک نیز می خندد پس باید کوشش کنیم که لبخند را از لبان آنها دور نسازیم و همیشه وجود داشته باشد وقتیکه ما با کودک خود فکاهیات جالب بگوییم و فلم های کمدی را به آنها نشان دهیم آنها بسیار می خندند و قصه های جالب و قصه های پر مفهوم را نیز دوست دارند و اطفال زیادتر به این چیزها علاقه مندی دارند.

کودکان آینده سازان کشور

ما کودکان امروز، آینده ساز فردا
 در دست قلم بداریم، نه رخ سوی جنگ ها
 با صد هزار سختی، با جنگ و بد بختی
 ما سازگار علمیم، نه بازیچه دست ها
 ما میرویم مکتب، با صد هزار امید

عشق را به کودکان تان بیاموزانید



به کودکان تان بیاموزید با دیگران مهربان باشند، اگر چه در طول روز خیلی خسته می شوید و حجم کارهایتان بسیار زیاد است اما به یاد داشته باشید که شنیدن جمله دوستت دارم در پایان روز حداقل نیاز به کودک است و شما مسؤول بر زبان آوردن آن هستید.

اجازه دهید کودک تان ابراز عشق کردن را از شما بیاموزد و ببیند که شما به کسانی که دوستشان دارید محبت میکنید حتماً در حضور کودکان به همسر تان محبت کنید این کار نه تنها هیچ اشکالی ندارد بلکه احساس امنیت و آرامش عمیقی در او ایجاد می کند به کودکان بگویید چقدر پدر بزرگ و مادر بزرگ، خاله، ماما، عمه و کاکاهایش را دوست دارید و برایشان ارزش قایلید.

هر گز اجازه ندهید روزی به پایان برسد و شما در آن روز به کودکان ابراز عشق نکرده باشید از راه های مختلف عشق و علاقه تان را به کودک نشان دهید روی غذایشان شکل قلب بگذارید روی آئینه اتاق یا دفتر نقاشی اش عکس قلب بگذارید بدون هیچ دلیلی او را در آغوش بگیرید عشق و محبت بیشتری از او دریافت خواهید کرد.

اراده

به کودکان کمک کنید اراده ای قوی داشته باشد، شعیب ۵ ساله یک نقاشی برای مادرش آورد و زمانی که مادر نقاشی را دید با هیجان گفت: وای چقدر زیبا کشیدی چه رنگ های قشنگی در نقاشی ات استفاده کردی، آفرین، عالی است.

شعیب به اتاقش رفت و خیلی سریع یک نقاشی دیگر کشید تا بار دیگر مادر او را تشویق کند. بعد یک نقاشی بعدی و هر بار مادر او را بسیار تشویق می کرد در حالی که به جز نقاشی اول باقی نقاشی ها خیلی زیبا نبودند و همه سریع و بی دقت کشیده شده بودند در این مواقع تشویق شما کاملاً بی مورد است کودکان را بجا و به موقع تشویق کنید.

زمانیکه نتوانسته کاری را به درستی انجام دهد تشویق نا بجای شما نه تنها موجب پیشرفت او نمی شود بلکه این تصور را در او ایجاد میکند که من هر کاری کنم درست است و والدینم مرا تشویق می کند.

صداقت را به کودکان تان بیاموزانید

به کودکان کمک کنید راهی برای بیان واقعیت بیابد، بهترین راه برای اینکه به کودکان بیاموزید صداقت داشته باشد و هرگز دروغ نگوید این است که خودتان برایش الگوی راستگویی و صداقت باشید به این داستان توجه کنید:

سارا پسری سه ساله به نام سریر دارد و می خواهد کاری کند که سریر برای مدتی از دوستش سمیر دور باشد چون به تازگی سریر عصبی شده و مرتب با سمیر دعوا

میکند. یک روز وقتی مادر سریر به او زنگ زد تا قراری بگذارد که بچه ها با هم بازی کنند سارا در حضور سریر گفت که سریر مریض است و نمی تواند بازی کند بعد از آن سریر از مادرش پرسید مادر من مریضم؟ و سارا با لبخندی او را بوسید و گفت: نه پسر من همینطوری گفتم اکنون سریر گیج و سردرگم شد اما در نهایت توانست برای خودش یک نتیجه گیری کند که دروغ گفتن امری عادی است و مردم همه می توانند از این تکنیک استفاده کنند. پس من هم می توانم دروغ بگویم و این اشکالی ندارد.

نکاتی در مورد تشویق کودکان

هر انسان خودش را دوست دارد و می خواهد دیگران به شخصیت او احترام بگذارند و از او قدر دانی کنند. تشویق درست، بجا و به موقع باعث رشد اعتماد به نفس انسان می شود. تشویق بر خلاف تنبه که از عوامل باز دارنده است عاملی ترغیب کننده است که به انسان نیرو می دهد شخصی که تشویق شود از کار و زحمت خود احساس رضایت میکند و همین رضایت خاطر است که جلو خستگی و بی میلی او را می گیرد تشویق شخصیت فرد را احیا می کند گاهی یک تحسین ساده مسیر زندگی فرد را دگرگون می کند. اصولاً تشویق در نهاد کودکان تاثیر فوق العاده ای دارد و او را به انجام کار های نیکوتر ترغیب می کند اگر کودک در کارهای خوب مورد تحسین قرار گیرد به آن کار ها متمایل می شود و بر عکس تاثیر گذار ترین نکته تشویق کودک به کار های درست است مثلاً به او بگوید تو کار خانگی ات را قسمیکه باید می نوشتی از آن هم خوبتر انجام دادی آفرین به تو این جملات او را به رفتار

هر چه بهتر تشویق می کند و مسلماً نتایج بهتری نسبت به زمانی که او را سرزنش میکنید خواهد داشت.

در تشویق کودکان تان باید اصول ذیل را رعایت کنید.

- علت تشویق باید برای کودک مشخص شود
- تشویق باید قسمی باشد که یک کلید برای موفقیت کودک باشد
- تشویق باید هر چند وقت یکبار در برابر کار های برجسته کودک باشد نه به صورت همیشه گی و به هر کاری
- در این هنگام به نکات مثبت فرزند تان توجه کنید و از آن یاد آوری کنید
- تشویق نباید از حد اعتدال تجاوز کند زیرا ممکن است کودک را به خود بینی و خود ستایی گرفتار کند

۵ جمله مفید برای کودکان از نظر روانشناسان

بعضی اوقات کودکان مشکلاتی را به بار می آورند که بهترین راه حل های آن عبارتند از سخنانی که جلو کار آنها را می گیرد مانند:

من ترا دوست دارم ولی این کار ترا نمی پسندم

اگر میخواهید لفظی را به کودک بیاموزید که کار خوب و بد را برایش مشخص کنید به او بیاموزانید ما کار خوب و کار بد داریم نه کودک خوب و کودک بد. هدف از وضع قوانین، آموزش رفتار های مناسب است نه تنبیه کودک اگر چه به رفتار ناپسند او اعتراض می کنید ولی محبت خود را از او قطع نکنید.

به کودکان بگویید از تو می خواهم مشکل مرا حل کنی

اگر کودک کاری را انجام داده که باعث رنج شما شده به او بگویید که دچار مشکل شده اید مثلاً به او بگویید "صدای بلند تلویزیون باعث شده سر درد شوم" و از او بخواهید که در حل مشکل به شما کمک کند در این صورت او که خود را دشمن شما نمی بیند خود را موظف می داند کاری انجام ندهد که برای شما مشکل آفرین باشد اگر به رضایت خاطر شما اهمیت دهد رفتار بد را خاتمه خواهد داد.

خودت تصمیم بگیر

بعضی اوقات تصمیم را به دست کودکان بگذارید. مثلاً دو کودک در اتاق مشغول بازی هستند سر و صدای آنها باعث اذیت و آزار شماست بهتر است بگویید "بچه ها تصمیم بگیرید یا بی سر و صدا بازی می کنید یا از اتاق خارج شوید" بعد از ۵ دقیقه می بینیم که هنوز هم سروصداست. بگویید می بینم تصمیم گرفتید از اتاق خارج شوید این جمله شما را از داشتن نقش منفی نجات میدهد و این کار به کودک می فهماند که او حق انتخاب هر یک از این گزینه ها را داشت و او مسؤل کار خودش است.

احساس تو را درک می کنم

وقتی کودک عصبانی می شود جملاتی را به کار می برد تا دیگران را متوجه احساس خود کند مثلاً می گوید "از تو متنفرم" یا "خیلی بدی" جملاتی هستند که همه ذهن او را پر کرده است شما می توانید به او کمک کنید تا جمله مناسبی را به کار ببرد.

هر کس چیزی که نیاز دارد باید داشته باشد

افراد متفاوت نیاز های متفاوتی دارند اغلب کودکان در اعتراض به والدین می گویند شما برادر و یا خواهر را از من خیلی دوست دارید و این جملات خیلی زمانی ذکر می شود که کودک خواستار چیزی باشد که برایش ضرورت ندارد چون والدین همیشه می کوشند تا حد امکان ضروریات کودکان را مرفوع بسازند. آنها باید به کودک بیاموزانند انصاف و عدالت این است که هر فرد هر چه را نیاز دارد تهیه کند اگر شما به عینک نیاز دارید و خواهرت به کفش، هر کدام تان باید وسایل مورد ضرورت خود را خریداری کنید.

اشک دانه دانه

چشمان مادرم در انتظار من بود

دل پر لطف او بس بی قرار من بود

صدای بم و جنگ در دل غم نهاد

گل امید او ز اشک پرپر بود

دل من ز غصه ها تنگی تنگ بود

آرزوی من آرام زیستن بود

در خوابهای من رفتن به مکتب

رفتن به راه نور و راه گلشن بود

در روز های درد پدر کنارم نبود
 ز لطف و وفای او هیچ چیز یادم نبود
 من زار و خسته در گوشه نشست
 که جز نوای غم چیزی یادم نبود
 با نگاه های سرد به سوی هر فرد
 با آه کودکانه با اشک دانه دانه

اندوه دل کودک

کودکانی که صبح ها گرسنه به هدف پیدا کردن لقمه نانی به خیابان ها می روند و شب گرسنه و با دستان بسته به خانه بر می گردند بعد از گذشتن شب دوباره با نگاه سرد بر می خیزند و روانه کار هر روزه می شوند این کودکان تصویر آینده افغانستان هستند. در آینه چشمان سرشار از حسرت و اندوه آنان می توان تصویر فردای افغانستان را تماشا کرد می توان حدس آینده افغانستان را از کودکانی که همیشه در حسرت سایه والدین، رفتن به مکتب و پوشیدن لباس جدید روز ها را شام و شام ها را روز کرده اند زد. باید در مورد کودکان افغانستان ببیندیشیم و حتی با کمترین و کوچکترین توانی که در دست داریم کاری را برای کودکان فقیر و بیچاره کشور مان انجام دهیم. چرا این کودکان که نعمت های خداوند متعال اند اینگونه زندگی کنند؟ کودکان افغانستان به گونه های مختلف از آینده روشن و درخشان محروم می شوند و هرگاه قلمی بخواهد زندگی این کودکان را انعکاس دهد مطمئناً که چیزهای زیادی برای نوشتن و بیان کردن وجود خواهد داشت.

اهمیت تربیت اخلاقی کودکان

والدین باید در درون کودک نفرتی در رابطه با ظلم و تبعیض و منکرات پدید آورند. به گونه ای که او را دائماً با این امور سرستیز داشته باشد. کودک را باید عادت داد تا صفوف دیگران را رعایت کرده و ارزشهای صحیح در جامعه را در زندگی به کار گیرد کودک را باید عادل تربیت کرد و این امر از همان دوران کودکی او زمانی که مادر خوراکی به کودک می دهد که با خواهر و برادرش تقسیم کند انجام شود.

مردی در حضور پیامبر(ص) فرزندى از خود بوسید و فرزند دیگرش را نبوسید، رسول الله (ص) به او اعتراض کرد که چرا مساوات را رعایت نکردی، کودک را باید عادت داد که در داوری ها حق را مراعات کند هر گز دوستی ها و دشمنی ها و روابط خانوادگی سبب آن نگردد که او از حق خود دوری کند. باید او را رشد داد تا در برابر حوادث بایستد و تسلیم هرچه هست نشده و ببیند هر چه واقع شده درست است یا نه، اگر نیست در طریق ریشه کن کردن آن بایستد کودک را باید عادت داد روابط خود را با دیگران تنظیم کند، مثلاً کودک نسبت به پدر و مادر بر خورد انسانی و همراه با ادب داشته باشد، جرأت و جسارت و بی ادبی و دست درازی نسبت به آنها نداشته باشد، بزرگان را مورد احترام قرار دهد، با خردسالان مهربان باشد، در برابر هر کس راه و رسم درستی در پیش گیرد در روابط اجتماعی آداب و معاشرت سالم و خوشرویی و مسالمت داشته باشد. عادت داشته باشد خواسته هایش را با خوشرویی مطرح سازد ایجاد مزاحمت نکند، تعارفات معمول را رعایت کند مثلاً دید و بازدید در عید و نوروز.

بهترین شخصیت ها در کودکان امروز نهفته است

خداوند (ج) در وجود همه بنده گانش استعداد های گوناگونی را جا داده است و خوشبخت کسی است که دریابد چه انجام داده می تواند و چه استعداد دارد، برخی از استعداد ها از آوان کودکی در وجود کودک دیده می شود و هر گاه شخصی هنر خود را ادامه دهد یقیناً شخصیت بس بزرگی خواهد شد، یکی از بزرگان جهان چه خوش گفته است: "زندگی کوتاه است و فانی اما هنر طولانی و ماندگار است." چه خوب است زمانی که خودت چشم از دنیا بسته باشی اما نامت جاویدان باشد. همه کودکان، جوانان و نوجوانان یک کشور باید از فرصتی که دارند استفاده کنند و هر گونه هنری که دارند در شگوفایی آن بکوشند، وظیفه والدین گرامی است تا فرزندان خود را تشویق کنند و یک شخصیت عالی را تقدیم به کشور خود کنند.

به خصوص کشور ما افغانستان که سخت نیاز به چنین افراد دارد، افرادی که به طریقه های مختلف بتوانند خدمتی به این خاک کنند چه در عرصه رسامی، نقاشی نویسندگی و

همه ای ما باید یک راه و هدف را در زندگی انتخاب کنیم و در رسیدن به آن بکوشیم. هر فرد جامعه باید مسؤلیت خود را در مقابل وطن خود احساس کند. یکی از راه های خدمت به وطن تقدیم نمودن یک فرزند نیک و صالح به جامعه است فرزند کوچک امروز این ملت مرد بلند نام و با افتخار فردای کشور است که هر گز نیمیرد زیرا گور شان قلوب نسل های آینده است. تاریخ یک ملت مانند گلزاری است که انسانهای هنرمند و با احساس گلهای زیبای آن می باشند. افرادی که یک کشور را می سازند یقیناً افرادی هستند که دیروز زیر سایه بهترین پدر و مادر بزرگ شده اند تمام مطالب را در جمله زیر خلاصه می نویسیم.

تمام گلهای که در آینده خواهد روید در دل تخم های امروز نهفته اند.

کودکان وطن

کودکان اند مهر جویان وطن

کودکان اند بلبلان این چمن

آنها می سازند و می خواهند

کودکان اند غنچه های سرخ رنگ

همچو شمس همچو قمر می تابند

بر زمین خشکیده این وطن

گل های خندان را ای ملت

سعی کنید بشگفتد تا ابد

کودکان پروانه های رنگین

کودکان نغمه های دلپذیر

کودکان به اساس آمار در جهان

به اساس آمار، در جهان یک میلیارد کودک اعم از دختران و پسران در جهان فقیر زنده گی میکنند. بیش از ۶۴۰ میلیون کودک در جهان بدون محل رهایش و مسکن هستند و ۴۰ میلیون کودک به آب آشامیدنی صحی دسترسی ندارند. همچنان بسیاری کودکان مناطق جنگ زده و بحرانی قربانی ترور و دهشت هستند.

بیش از ۲۵۰ میلیون کودک کارگر در جهان موجود است که بیشترین این جمعیت را دختران بین سن ۵ الی ۱۴ سال تشکیل میدهد. وضعیت صحی این کودکان کارگر

بحرانی بوده و در مراکز و محلات نامناسب برای ساعات متمادی با درآمد ناچیز و پایین کار میکنند.

پیامک

هر بار دستی به زور و خشم بر روی کودکی بلند میشود، آرزو میکنم کاش میتوانستم با صدای بلند فریاد بزنم کودکان را دوست بدارید و به آنها احترام بگذاریم. قلب سرشار از پاکی و صفایی شانرا را جریحه دار نکنیم.

اگر چه صدای مرا بسیاری از افرادی که دست خشم بر کودکان بلند کرده اند نمی شنوند اما نوشته هایم فریاد خاموشی هستند که صدای مرا به تمام افراد دنیا میرساند.

امیدوارم مطالعه هر مطلب، هر نکته و هر راهکار، بتواند دست های خشمگین را به سوی شوق نوازش کودکان رهنمود شود.

من از بیگانگان گله ندارم

چوب شکنی درختی را با تبر قطع میکرد، چوب شکن که با هر ضربه تبر نفسک میزد با ضربه های تیزتر و محکم تر به جان درخت افتاده بود تا آنرا هر چه زودتر از پا درآورد.

در جریان تبر زدن متوجه شد که با هر ضربه به جز از صدای نفس های خودش صدای دیگری را نیز از درخت می شنود. چوب شکن به دقت بیشتر به صدای که از درخت برمیخاست، گوش داد. چوب شکن دید که درخت به سختی و ناراحتی می

نالد. چوب شکن با همان حالت از درخت پرسید که چرا با هر ضربه تیر بیشتر می نالد و این ناله برای چیست؟

درخت در پاسخ گفت من از ضربه های تیر گله ندارم، شکایت از دسته تیر است که از خودم ساخته شده و مرا با این بی مهری ضربه میزند. به گفته شاعر:

من از بیگانگان هرگز ننالم
که با من هرچه کرد آن آشنا کرد

چوب شکن به فکر رفت و با خودش گفت. در حقیقت هرچه درخت می بیند از شاخه خود می بیند که همانا دسته تیر است بخاطریکه تیر هرگز نمی توانست بدون دسته اش درخت را از پای اندازد.

بعضی از اشخاص هستند که هنگام کودکی پدر و مادر دست آنها را گرفته و به آنها شیوه زنده گی را می آموزاند اما هنگامی که این کودکان بزرگ شوند و زمانی که پدر و مادر به آنها ضرورت داشته باشد دست آنها را رها کرده و آنها را تنها میگذارد. داستان بالا رابطه مستقیمی با این متن دارد.

در انتظار مادر

امشب دلم دوباره

غمگین و بی قرار است

چشمم به سوی ساعت

گوشم در انتظار است

مادر دوباره امشب
بسیار دیر کرده
شاید که کار است باز
یک گوشه گیر کرده
از راه خواهد آمد
با حال زار و خسته
با پای مانده از راه
با دست بسته بسته
این تیک و تاک ساعت
حالا بلای جان است
از راه مانده گویی
کند است و ناتوان است
تق تق یکی به در زد
کردم ز شوق فریاد
ساعت هم از سر شوق
از تیک و تاک افتاد
لبخند خسته بر لب
مادر به خانه برگشت
مرغ سعادت من
بر آشیانه برگشت

شوق دوباره افتاد
 بر جان ساعت ما
 با تیک و تاک شادش
 بیمود راه خود را

تحفه مادر

کودکستان در جهان کودکان
 است جای ابتدای علم شان
 لحظه خوب است بر کودک همان
 وقتی گیرند نکته ای از معلمان
 کودکستان است بر کودک زبان
 معلمان کوشد در تعلیم شان
 کودکان سرمایه کشور بود
 این عنایت تحفه مادر بود
 از بزرگان یاد گیرند هر هنر
 علم بر کودک کوه زر بود
 چونکه هستند سرنوشت ساز جهان
 ای وطن این کودکان فخرت بود

در شبهای سرد

در شبهای سرد

با دستان بسته

درکوچه های تاریک

با چراغ های کهنه

بارفتار تند

بادلی بس شکسته

باچشم پر امید

با رفتن به مکتب

دروازه های نور

بر عقل من فزود

تعلیم، علم و درس

من را به قله برد

به قله که آن پر

پر از صدا بود

صدایی که در آن

بخش امید بود

بخش زندگی

بخش زیبایی

بخش رسیدن من

به خواست مادرم بود.

فرگرد آرزو

از کودکان امروز بزرگان فردا ساخته می‌شوند. آنها تصمیم کودکان فردا را خواهند گرفت. آنها تصمیم آینده کشور را خواهند گرفت. کودکان ارزشمندترین و ظریفترین هدیه ای خداوند (ج) هستند که برای انسان ها اعطا شده اند. کودکان امانت بسیار بزرگ از جانب خداوند(ج) به بندگان می باشد و هر پدر و مادر مکلف است که تا در تربیه آنها کوشش کند.

لازمه تربیه صحیح کودک یاری گرفتن از قرآن و احادیث و موازین اسلامی است. آرزوی هر فرد یک جامعه پیشرفت و ترقی کشورش است هر شخص جامعه آرزو دارد تا خود و فرزندانش مصدر خدمت به خاک عزیزش شود زمانی که خود نتوانست باید به فرزندان خود بیاموزاند که چگونه خدمت کند و چگونه از این خاک محافظت کند.

تقدیم نمودن این چنین فرزند با شهامت به جامعه به دوش والدین، معلم و تمام افراد جامعه است. پس چرا این همه را انجام نداده و حداقل کوچکترین خدمتی در حق میهن انجام ندهیم؟

تفاوت های کودکان افغانستان با کودکان سایر ممالک

کودکان افغان از جنبه های گوناگونی با کودکان سایر ممالک دنیا مخصوصاً کودکان ممالک پیشرفته تفاوت دارند.

بعضی از کودکان افغان از همان آوان تولد با محرومیت ها روبرو هستند که اطفال

همسن و سال سایر ممالک جهان کمتر به آن مواجه اند. بعضی از کودکان حتی مادر خود را نمی بینند و چنین کودک معلوم است که در برابر چه آینده ئی قرار دارد. کودکان افغان علی الرغم نبودن امکانات صحی، امکانات تغذیه کافی را نیز نداشته و زمانی که به سنین بالاتری می رسند بنابراین تبدیل به کارگران خورد سنی می شوند که باید روی سرک ها و در مستری خانه ها برای لقمه نانی از سحر تا به شب کارهای شاقه انجام دهند. تفاوت کودکان افغانستان با کودکان کشورهای همسایه آن چنان زیاد است که حتی توصیف آن برای هر قلمی مقدور نیست چه برسد به کودکان دنیای مترقی.

امروزه در خیابان های کابل کودکان چرکین و آواره آنقدر زیاد است که برای تهیه گزارش کافی است فقط به یکی از نقاط مزدحم برویم. بیشتر اوقات از آنان پرسیده می شود چرا این کار را می کنید با لهجه های معصومانه خود می گویند مادر نداریم و یا پدر خود را از دست داده ایم و یا مادر و پدر پیرمرد داریم. زندگی سردرگم و سرگردان نسل امروز و دیروز این آب و خاک با نوشتن یک گزارش یا متن خلاصه نمیشود. البته رسیدن به تهداب و کشف ریشه های حقیقت پیش از همه ضروری است. از ریشه های حقیقت یکی هم تفکر نابرابر خواهانه ای است که بزرگ سالان و میان سالان به آن گرفتار اند این واقعیت است که کودکان حتی حق ابراز نظر در محیط خانوادگی انسانی را هم ندارد.

اطفال چرا دست به مواد مخدر می زنند

اگر مادر و پدر در قبال تربیه فرزند خود کوشا نباشند طبعاً که فرزند شان دست به هر کار زده می تواند.

از آنجمله دست به مواد مخدر می زند و اگر پدر و مادر در موجودیت کودک خود از مواد مخدر استفاده کند او هم از مواد مخدر استفاده می کند.

هم چنان فقر و بی چاره گی باعث این می شود که طفل دست به مواد مخدر بزند و هم چنان هم نشین بد، کودکان را تشویق به کشیدن سگرت می کنند .

اگر پدر و مادر در تربیه آنها کوشا باشند هیچگاه اطفال دست به این کار نمی زنند.

اطفال همیشه وقت باید درس بخوانند و در عرصه درس خود کوشش کنند و باید هیچگاه به مواد مخدر دست نزنند، چون باعث از بین رفتن جامعه و خود شان می شود.

مواد مخدر کشنده ترین دخائیات است چون به صحت است. اگر یک بار کودکان به مواد مخدر معتاد شد رها کردنش بسیار مشکل خواهد بود.

وقایه بهتر از تداوی است

دخترها هم حق دارند که مانند پسرها تحصیل کنند

مادر و پدر باید هیچگاه فرق میان فرزندان خود ایجاد نکند چون حقوق دختر و پسر باهم مساوی است.

بعضی فامیل ها است که اصلاً اجازه رفتن به مکتب را به دختران خود نمی دهند چون آنها فکر می کنند که دختر را کی مانده به مکتب برود، آنها باید در کار خانه

سهم داشته باشند اما نخیر این طور نیست دخترها هم حق دارند که مثل پسرها تحصیل کنند چون آنها هم می خواهند که در آینده یک شخص دانا باشند. بعضی از مادرها و پدرها هستند که پسر خود را در آغوش می کشند و آنها را نوازش می دهند اما دخترهای بی چاره را می گویند که تو دختر هستی و در آغوش کشیدن تو خوب نیست. مادر و پدر واقعی کسی است که فرزندان خود را چی دختر باشد چی پسر باشد به درس هایشان تشویق کند و هیچگاه میان آنها فرق ایجاد نکند.

دخترها هم حق دارند که تحصیل کنند و آنها می خواهند که یک شخصیت عالی داشته باشند و در آینده به حیث یک مادر یک دختر شجاع و پسر دلاور را تقدیم به جامعه می کنند. پس از مادران و پدران خواهش می کنیم که هیچگاه فرق میان فرزندان خود ایجاد نکنند و در هر رشته و هر هنری که علاقه مندی دارند آنها را بگذارند. البته دین ما دین مقدس اسلام است و اسلام دینی است که به تمام حقوق دختران توجه کرده است و در چوکات اسلام هر دختری می تواند تحصیل کند و تحصیل خود را به پایان برساند.